



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مقصد اول - اوامر

تاریخ: ۱۷/بهمن/۱۳۹۴

موضوع جزئی: فور و تراخی - مقام اول: مقام ثبوت

مصادف با: ۲۶ ربیع الثانی ۱۴۳۷

سال هفتم

جلسه: ۶۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

فور و تراخی

فور و تراخی در دو مقام باید مورد بررسی قرار بگیرد؛ مقام اول مقام ثبوتی و مقام دوم مقام اثباتی است. منظور از مقام ثبوت این است که به حسب واقع اقسام واجبات بیان شود و بررسی شود که واجبات فی نفسه از حیث جواز تاخیر در اتیان یا فوریت اتیان بر چند قسم می باشند. یعنی آیا واجبات می توانند موخراً اتیان شوند و اینکه آیا همه واجبات این خصوصیت را دارند یا اینکه بعضی از واجبات نمی توانند به تاخیر انداخته شوند یا اساساً الزاماً بعضی از واجبات باید مقدم شوند و تاخیرشان جایز نیست و بعضی تاخیرشان جایز است.

منظور از مقام اثبات نیز بحث از دلالت صیغه امر است که اگر صیغه امر خالی از قرینه باشد دلالت بر فور می کند یا تراخی؟

مقام اول: مقام ثبوت

به حسب مقام ثبوت واجبات از این جهت بر سه قسم می باشند:

قسم اول: عدم تقیید به تقدیم و تأخیر زمانی

بعضی از واجبات که از حیث زمانی نه مقید به تقدم هستند نه مقید به تأخر و از این دو جهت مطلقند، لذا مکلف در مقام امتثال مخیر است بین اولین زمان ممکن و زمانهای بعدی، یعنی مکلف می تواند تکلیف را در اولین زمان ممکن بعد از امر انجام دهد یا در زمان دوم تا زمانی که برای تکلیف زمان قرار داده شده است؛ مثل نماز که یک واجب موسع است و مقید به تقدم و تاخر نیست. (البته اینکه نماز در اولین زمان ممکن فضیلت خاصی دارد مطلبی جدا گانه است در حالیکه بحث ما در وجوب و لزوم تقدم و تاخر است، یعنی آیا تکلیف باید در اولین زمان انجام شود یا چنین ضرورتی نیست) لذا می گوئیم ضرورت ندارد نماز در اولین زمان انجام شود به این معنی که اگر در زمان اول انجام ندهد معصیت کرده باشد؛ هر چند اتیان نماز با تاخیر، باعث از بین رفتن فضیلت زیادی از عبادت می شود و تقدیم، آثار فراوانی برای مکلف دارد ولی اینچنین نیست که اگر امتثال از زمان اولش تاخیر بیفتد مکلف عاصی باشد. البته مطابق فتاوا اگر مکلف در واجب موسع بداند که امکان اتیان واجب در زمانهای بعدی نیست بر او متعین می شود که فعل را در زمان اول انجام دهد و نمی تواند آنرا به تأخیر بیندازد. پس یک قسم از واجبات، واجباتی هستند که نه مقید به تقدم و نه مقید به تاخر می باشند این قسم از واجبات را واجبات موسع می نامند.

قسم دوم: تقیید به تأخیر

بعضی از واجبات مقید به زمان خاصی هستند. یعنی باید در یک ظرف زمانی خاص واقع شوند. شاید با مسامحه بتوان گفت این واجبات مقید به تاخیرند هر چند این تعبیر دقیق و صحیح نیست. به این معنی که اگر در اولین زمان ممکن امر امتثال شود، فعل

مكلف صحيح نيست بلكه مكلف فعل را بايد در زمان مشخص شده انجام دهد. به اين معنا كه اگر زودتر از زمان امر شده فعل انجام شود مكلف عاصي شمرده مي شود مثل صوم كه بايد در وقت مشخص انجام شود و نمي توان آن را زودتر از موعد انجام داد. اين قسم واجبات را مضيق مي نامند.

قسم سوم: مقيد به تقديم

اين قسم از واجبات بر دو نوع هستند:

الف: تقيد به تقديم به نحو وحدت مطلوب

واجب مقيد به تقديم به نحو وحدت مطلوب معنايش اين است كه اتيان به واجب در اولين زمان ممكن واجب است. يعني وجوب فوري است و واجب فورا بايد اتيان شود و اگر در اولين زمان ممكن انجام نشود تكليف به طور كلي ساقط مي شود ضمن اينكه مكلف عاصي هم محسوب مي شود. مثل وجوب رد سلام كه واجب است، اما اگر مكلف به اين واجب عمل نكند عصيان کرده و معصيت كار شمرده مي شود و امر به رد سلام در زمان دوم از مكلف ساقط مي شود. زيرا واجب مقيد به قيد فوريت و تقديم به نحو وحدت مطلوب مورد نظر مولا مي باشد. سلام در اولين زمان ممكن واجب است، لذا اگر يك جزئش كه زمان باشد از بين برود ديگر مطلوب به كلي از بين مي رود؛ زيرا مطلوب رد سلام مقيد شده به فوريت است و اذا انتفى القيد انتفى المقيد. پس مكلف با تاخير رد سلام گناه کرده و رد سلام در زمان هاي بعدي ديگر امر ندارد.

ب: تقيد به تقديم به نحو تعدد مطلوب

يعني مطلوب اول خود واجب است و مطلوب دوم زمان انجام واجب؛ حال اگر واجب در زمان مشخص انجام نشود، مكلف مي تواند تكليف را در زمان ديگر انجام دهد هر چند تاخير موجب معصيت است. اين قسم خود بر دو صنف و به دو شكل مي باشد: **صنف اول:** واجب مقيد به زمان شده ولي زمان اول يك مطلوبيتي دارد و اگر اتيان نشد زمان دوم، اگر اتيان نشد زمان سوم كه از آن تعبیر به فورا ففورا مي شود. يعني اگر واجب در زمان اول انجام نشود وجوبش برداشته نمي شود. در رد سلام گفتيم كه در همان اولين زمان واجب است كه اتيان شود اما اگر در زمان اول اتيان نشد كلا ديگر وجوب ندارد اما اينجا مي گوييم: وجوب باقي مي ماند و در زمان دوم بايد انجام شود، اگر زمان دوم انجام نداد، زمان سوم بايد انجام دهد، مثل قضای واجبات فوت شده. مثلا در باب نماز، طبق بعضی از فتاوا اگر نماز صبح قضا شد واجب است در زمان دوم و سوم اتيان شود لذا در موقع خواندن قضای نماز صبح مي گویند: قبل از خواندن نماز ظهر و عصر بايد ابتدا نماز قضای صبح بجا آورده شود بعد نماز ظهر و عصر خوانده شود. در اين مثال واجب از مكلف فوت شده و قضای نماز بر او واجب است. ولي بايد در اولين زمان ممكن قضای نماز را بجا آورد و اگر نخواند در زمان دوم اگر نخواند زمان سوم الي آخر.

صنف دوم: مطلوب، اتيان به واجب است در اولين زمان ممكن، حال اگر مكلف در اولين زمان ممكن اتيان نكرد، ديگر زمان دوم خصوصيت ندارد و فورا ففورا نيست بلكه اگر اولين زمان ممكن نشود، در زمانهاي بعدي علي السويه است. مثل نماز آیات، نمازی كه در اثر بلايای طبيعی واجب می شود. وقتی بلايای طبيعی حادث شد فورا مكلف بايد نماز آیات بخواند. مطلوب مولا در اين مثال اتيان به طبيعت نماز است، ولي مقيداً به قيد اولين زمان ممكن كه خودش يك مطلوبي است مستقل در کنار طبيعت نماز. حال اگر شخص نتوانست در اولين زمان ممكن نماز آیات را اتيان كند عاصي محسوب مي شود ولي مي تواند در زمانهاي بعدي قضای نماز را انجام دهد چون امر به قوت خودش باقي است و اتيان نماز آیات در زمانهاي بعدي محدوديت ندارد.

جمع بندی

پس به حسب مقام ثبوت واجبات بر سه قسم می باشند:

قسم اول: واجباتی که هیچ قیدی ندارند و از حیث تقدم و تاخرو فوریت و تراخی مطلق می باشند.

قسم دوم: واجباتی که مقید به زمان خاصی هستند یا به عبارت دیگر مقید به تأخیر می باشند.

قسم سوم: واجباتی که مقید به تقدیم هستند که بر دو قسم می باشند:

الف: اینکه فوریت و تقدیم با طبیعت واجب مجموعاً یک مطلوب را تشکیل می دهند به طوری که اگر در اولین زمان انجام نشد اصل امر ساقط می شود مثل وجوب رد سلام.

ب: اینکه به نحو تعدد مطلوب باشد که مطلوب اول خود واجب است و مطلوب دوم زمان خاص می باشد که چنانچه مطلوب دوم یعنی زمان مخالفت شد و انجام نشد مطلوب اول به قوت خودش باقی می ماند که این قسم نیز خودش دو صنف دارد:

صنف اول: اگر مطلوب دوم در زمانش اتیان نشد باید در زمانهای بعدی فوراً ففوراً انجام شود.

صنف دوم: مطلوب اتیان به طبیعت است و به قید اتیان فی اول ازمنه ممکن، ولی اگر در اولین زمان انجام نشد دیگر مطلوب دوم از بین می رود یعنی فوراً ففوراً نیست و مکلف هر زمان که خواست می تواند آن را انجام دهد.

مقام دوم: مقام اثبات

موضوع بحث

اگر صیغه امر و هیئت امر بدون هیچ قرینه خارجی و داخلی وارد شود از صیغه امر فوریت استفاده می شود یا تراخی؟

دلالت صیغه امر بر تراخی یعنی اینکه اگر صیغه امر بدون قرینه استعمال شد؛ یجوز التأخیر و جواز تاخیر از آن فهمیده می شود یا خیر؟ در این موضوع بحث لزوم تاخیر نیست بلکه بحث این است که آیا صیغه امر دلالت بر جواز تأخیر می کند یا نمی کند. آنها که می گویند: نه بر فور و نه بر تأخیر دلالت دارد یعنی می گویند: ما از صیغه امر نه فوریت را استفاده می کنیم و نه می توانیم جواز تأخیر را استفاده کنیم و اینکه واجب باید فوراً انجام شود. پس موضوع بحث در مقام اثبات این است که صیغه امر مجرد از قرینه آیا دلالت بر فوریت می کند یا جواز تراخی یا هیچکدام.

اینجا اقوال متعددی وجود دارد محقق خراسانی هم نظری دارند که باید بررسی شود که حق در مقام چیست؟

«الحمد لله رب العالمین»